

کارکردها و آثار دین در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)

مرتضی سیاح شعاع^۱

زینب سیاح شعاع^۲

زهرا حجازی پور^۳

چکیده

دین راه و رسم و مجموعه مقررات برای زندگی است. دین اسلام کامل‌ترین دین است، برای تمامی ابعاد و حوزه‌های مختلف زندگی انسان برنامه دارد. از آن جا که حوزه حقوق یکی از اساسی‌ترین قلمروهای زندگی بشر است. لذا می‌توان گفت که گویا رسالت اصلی دین تحقق بخشیدن حاکمیت نظام حقوقی آن در جامعه می‌باشد. هر چند حاکمیت نظام حقوقی نیز مقدمه‌ای برای تعالی بشر و سعادت او است. حال علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) از جمله افرادی هستند که به مسئله کارکردهای دین بر حوزه حقوق پرداخته‌اند. از این رو پژوهش حاضر به تبیین کارکردهای دین در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) پرداخته است. از این رو این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه با منابع کتابخانه‌ای انجام شده و از منابع تفسیری و عقلی تحلیلی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، حق حیات، حق کرامت، حق آزادی، حق مالکیت، حق امنیت روانی، حق دفاع از خود و حق پناهندگی از جمله کارکردهای دین بر حوزه حقوق می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: دین، حقوق، علامه طباطبایی (رحمه الله علیه)، کارکرد

^۱. استاد راهنما، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، گرایش علوم عقلی.

^۲. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

^۳. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

دین اساساً در عرف قرآن به راه و رسم زندگی اطلاق می‌شود و مؤمن و کافر حتی کسانی که اصلاً صانع را منکرند، بدون دین نیستند زیرا زندگی انسان بدون داشتن راه و رسمی خواه از ناحیه نبوت و وحی باشد یا از راه وضع و قرارداد بشری اصلاً صورت نمی‌گیرد (طباطبایی، 1360، ص 506). علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)، در این زمینه می‌گویند: «انسان چه در زندگی فردی و چه اجتماعی به قانون و مقررات نیاز دارد و قانون و مقرراتی که انسان بر طبق آن زندگی می‌کند، همان دین اوست و دین همان روش زندگی است و از آن جدایی ندارد، دین عبارت است از اعتقاد انسان درباره انسان و جهان و مقررات متناسب با آن، که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد. پس هم کسانی که هستی را مساوی با ماده می‌دانند و هم بت پرستانی که اصل خالق و آفریننده را قبول دارند و هم پیروان ادیان زنده مانند زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، همه روشی برای زندگی دارند و همین، دین آنان است (ر.ک: طباطبایی، 1384، ص 25-23). دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، 1390، ص 27). دین یا حق است یا باطل و یا آمیخته‌ای از حق و باطل می‌باشد که به آن دین التقاطی می‌گویند اما دین حق دینی است که عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات آن از طرف خدا نازل شده و دین باطل، دینی است که از ناحیه غیر خداوند تنظیم و مقرر شده باشد (جوادی آملی، 1378، ص 111-112). از آن‌جا که بیان شد دین راه و رسم و مجموعه مقررات برای زندگی است؛ دین اسلام کامل‌ترین دین است که برای تمامی ابعاد و حوزه‌های مختلف زندگی انسان برنامه دارد. از آن‌جا که حوزه حقوق یکی از اساسی‌ترین قلمروهای زندگی بشر است. گویا رسالت اصلی دین تحقق بخشیدن حاکمیت نظام حقوقی آن در جامعه می‌باشد. هر چند حاکمیت نظام حقوقی نیز مقدمه‌ای برای تعالی بشر و سعادت او است.

تاکنون پژوهش مستقل و یک‌پارچه درباره کارکردها و آثار دین در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) انجام نشده؛ به گونه‌ای که تنها به این موضوع پرداخته باشد. اما به صورت پراکنده و نامنظم در آثار مختلف پژوهشی این بحث دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. محسن اسماعیلی و سید محمد مهدی غمامی در مقاله «مفهوم و کارکرد دین در سپهر حقوق عمومی از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)» بدین نتیجه رسیده اند که در میان ادیان منحصرأ دین اسلام دارای تئوری «دین به مثابه روش زندگی» است، به این ترتیب که دین آموزه‌ها و قواعد و ارشاداتی را برای انسان، جامعه و دولت ارائه می‌دهد تا زندگی انسان را سامان و سازمان دهد. علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) به عنوان

یکی از مهم‌ترین متکلمین متأخر، از دین تعریفی جامع و کاربردی را در دوران متصل به انقلاب اسلامی را ارائه داد که بر آن اساس کارکرد تأمین «سعادت» را از دین معرفی نمود.

2. محمد سلطانیه محمد سلطانیه و علی زرقانی در مقاله «کارکرد اجتماعی دین از منظر علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) بدین نتیجه رسیده‌اند که علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)، دین را به عنوان یک پدیده این دنیایی نگاه نمی‌کنند و برای آن برخلاف برخی از متفکران غربی، منشأ مادی و دنیایی قائل نیستند، بلکه منشأ دین را الهی می‌دانند. ایشان معتقدند که دین دارای کارکردهای مثبتی است و کارکردهای دین را از حیث اجتماعی، قوام بخشی انسجام جامعه، روحیه حق طلبی و مبارزه با ظلم در جامعه، برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، ظرفیت تمدن سازی، روحیه امید و استمرار بخشی جامعه با توجه به پیوند دین و جامعه می‌دانند.

از این رو مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که دین چه کارکردها و آثاری در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) دارد؟ و برای پاسخ به پرسش یاد شده حق حیات، حق کرامت، حق آزادی، حق مالکیت، حق امنیت روانی، حق دفاع از خود و حق پناهندگی را بررسی می‌کند.

1. مفهوم شناسی

برای بررسی کارکردها و آثار دین در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) لازم است که برخی از واژگان تحقیق بررسی شود، لذا به بررسی مفهوم برخی از واژگان مرتبط با تحقیق، نظیر حقوق پرداخته می‌شود.

حقوق

حق در لغت از «ح ق ق» به معنای «راست و درست، ضد باطل است» (عمید، 1363، باب حاء). و جمع آن حقوق است. در اصطلاح مجموعه‌ای از قوانین و آئین نامه‌ها است که شرایطی را تعیین می‌کنند تا مناسبات افراد در جامعه‌ای متشکل، طبق آن‌ها برقرار شود (شایان مهر، 1377، ص 227).

علامه (رحمه الله علیه) نیز در تعریف حق می‌فرماید: «کارهایی که انسان باید انجام دهد، نسبت به کسی که در نتیجه آن ذی نفع است، حق نامیده می‌شود و نسبت به کسی که باید آن‌ها را انجام دهد وظیفه و حکم و تکلیف نامیده می‌شود؛ مثلاً کسی که در مقابل اجرت برای دیگری کاری انجام دهد، پرداخت اجرت وظیفه‌ی کارفرما و حق کارگر است، و اگر کارفرما اجرت را نپردازد، کارگر می‌تواند آن را مطالبه کند و از حق خود دفاع نماید» (طباطبایی، 1387، ص 218).

پس اسلام بر خلاف سایر مکاتب غربی برای انسان حقوقی قرار داده است مثل حق حیات، حق رای دادن و غیره در مقابل هر حقی، تکلیفی نیز قرار داده شده است. از این رو از نگاه اسلام حیات داشتن حق هر فردی از افراد جامعه انسانی است و کسی نمی‌تواند آن حق را از او سلب نماید و در مقابل هر حقی تکلیفی برای او وضع کرده است لذا کسی نمی‌تواند و حق ندارد حیات را از خودش سلب نماید و یا افراد جامعه حق انتخاب و بیعت با حاکم الهی را دارند اما در قبال این انتخاب داشتن پاسخگو می‌باشند چون این انتخاب، سرنوشت تمام افراد جامعه را در بر می‌گیرد.

2. حقوق اساسی انسان در اسلام

یکی از ابعاد نظام حقوقی اسلام، حقوق انسان است. از این رو با توجه به اهمیت حقوق بشر در اسلام، این پژوهش بر آن است، برخی از حقوق اساسی انسان در اسلام بیان نماید، تا جایگاه حقوق اسلام در میان سائر مکاتب حقوقی روشن شود.

2-1. حق حیات

یکی از حقوقی که اسلام برای انسان‌ها بیان می‌کند، حق حیات است و کسی حق ندارد آن را از انسان سلب نماید. قرآن در این باره می‌فرماید: «و خونی را که خدا محترم شمرده مریزید، مگر آنکه کشتن او حق باشد، و کسی که بی‌گناهی را بکشد ما برای ولی او سلطنت و قدرت قانونی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قاتل را بکشد) پس نباید کسی در خونریزی از حد تجاوز کند که کشته بی‌گناه به وسیله قانون یاری شده»¹ (اسراء: 33).

علامه (رحمة الله علیه) می‌فرماید: «فلسفه مخالفت اسلام با قتل و خونریزی، این است که اسلام انسان را مانند یک درخت می‌داند که دارای شاخه و برگ و... می‌باشد. غرض از خلقت انسان این است که در اثر تکثیر نسل، نسلی جانشین دیگری شود، تا عبادت خداوند متعال را بجا آورند. چرا که قرآن می‌فرماید: «و من جن و انس را نیافریدم مگر برای این که عبادتم کنند»² (ذاریات: 56). حال اگر کسی بخواهد با قتل و کشتار افراد بشر را از حیات محروم نماید، سبب از بین رفتن غرضی که خداوند متعال برای عالم تعریف کرده می‌شود و این معارضه و منازعه با غرض خداوند متعال است که کشتن یک نفر را به منزله کشتن همه افراد بشر می‌داند، و در مقابل زنده کردن یک نفر را به منزله زنده کردن کل بشر می‌داند؛ «هرکس یک انسان را بکشد بدون اینکه او کسی را کشته باشد و یا فسادی در زمین کرده باشد مثل این است که همه مردم را کشته، (چون انسانیت را

¹. «و لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا».

². «و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».

زنان و اطفال و اسیران جنگی و... جلوگیری کرده است و هم چنین از ترور کردن دشمن، چه در حال صلح و چه در حال جنگ، و کشتن پیران و عاجزان و هجوم شبانه را تحریم نموده است؛ ولی دنیای متمدن امروز همه این جنایات را مباح و جایز می‌شمارد؛ همان طور که کشور آمریکا با ریختن بمب اتمی بر سر مردم هیروشیما آن‌ها را با خاک یکسان کرد (طباطبایی، 1374، ج 9، ص 206_207).

بنابراین حکم اسلام به دفاع و جهاد یک حکم انسانی و عقلای است چرا که در اسلام جهاد را در مرحله آخر و برای گروه خاصی پیشنهاد می‌کند و هم‌چنین از ارتکاب امور غیر انسانی در آن نهی می‌کند.

2-7. حق پناهندگی

از جمله حقوقی که اسلام برای انسان معرفی می‌نماید؛ حق پناهندگی است. از این رو این مصونیت را محترم می‌شمارد و کسی حق ندارد آن را نقض نماید؛ همان طور که اسلام برای کسانی که طالب درک حق و حقیقت هستند و می‌خواهند نسبت به قضیه‌ای از ابهام خارج شوند، امنیت آن‌ها را تأمین نموده است؛ زیرا دین اسلام نهایت تلاش و کوشش را برای هدایت چنین افرادی مبذول داشته است، تا از هر راهی که امیدی به هدایت یک گمراه وجود دارد، هدایت حاصل شود (سیاح شعاع، 1403، ص 67)؛ چنان که اسلام برای مشرکانی که نسبت به دین مقدس اسلام دچار شک و تردید شده، امنیت او را تضمین می‌کند و به آنان حق پناهندگی می‌دهد که نزد مسلمین بیایند و شبهه خود را مرتفع سازند، و تا زمانی که در بین مسلمین در پی دست یابی، به حق و حقیقت هستند، کسی حق تعرض به آن‌ها را ندارد و در پناه اسلام هستند. البته این امان تا زمانی ادامه دارد که از نزد مسلمین برگردند و مسیر خود را بعد از اقامه برهان مشخص کنند، و اگر هم چنان راه کفر را انتخاب و به فکر توطئه و براندازی اسلام را در سر داشته، در این صورت خونشان مباح خواهد بود (طباطبایی، 1374، ج 9، ص 205_206).

از این رو قرآن می‌فرماید: «اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست پس او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود آن گاه او را به مأمن خویش برسان و این به خاطر آن است که ایشان مردمی نادانند»¹ (توبه: 6). بر این اساس اسلام یکی دیگر از حقوق بشر را حق پناهندگی می‌داند، نسبت به کسانی که به امری از امور عقیدتی، سیاسی، امنیتی و... دچار شک و شبهه هستند. از این رو امنیت آن‌ها را تأمین نموده است تا حق برای آن‌ها روشن شود و در این مدت اجازه نمی‌دهد تا زمانی که در پناه حکومت اسلامی هستند، احدی به آن‌ها تعرض نماید.

¹. «وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتِجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ».

نتیجه گیری

دین، مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی است که با حیات انسان هماهنگ می‌باشد. در اسلام حقوق، جزئی از پیکره دین است. پیوند آن دو بسیار عمیق است؛ زیرا زمینه‌های اجتماعی و عوامل گوناگونی که در جامعه بشری حاکمیت یک نظام حقوقی را اقتضا می‌کند، در قرآن کریم به عنوان فلسفه بعثت انبیاء و فرستادن دین و کتاب‌های آسمانی از سوی خداوند تلقی شده است. گویا رسالت اصلی دین تحقق بخشیدن حاکمیت نظام حقوقی آن در جامعه می‌باشد. هر چند حاکمیت نظام حقوقی نیز مقدمه‌ای برای تعالی بشر و سعادت او است. حق مجموعه‌ای از قوانین و آئین نامه‌ها است که شرایطی را تعیین می‌کنند تا مناسبات افراد در جامع‌های متشکل، طبق آن‌ها برقرار شود. اسلام بر خلاف سایر مکاتب غربی برای انسان حقوقی قرار داده است مثل حق حیات، حق رأی دادن و غیره در مقابل هر حقی، تکلیفی نیز قرار داده شده است.

از این رو مقاله حاضر کارکردها و آثار دین در حوزه حقوق از نگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) را بررسی کرده و در پایان بدین نتیجه رسیده است که حق حیات، حق آزادی، حق کرامت، حق مالکیت، حق امنیت روانی، حق دفاع از خود و حق پناهندگی از کارکرد و آثار دین بر بعد حقوقی انسان می‌باشد.

1. ابن عیسی، مسعود، مجموعه ورام، مترجم: محمد رضا عطایی، نشر آستان قدس رضوی، 1369.
2. اسماعیلی، محسن؛ غمامی، سید محمدمهدی، «مفهوم و کارکرد دین در سپهر حقوق عمومی از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)»، مطالعات حقوقی دولت اسلامی، ش 1، 1391.
3. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، نشر اسراء، قم، 1378.
4. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، نشر اسراء، قم، 1390.
5. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، نشر اسراء، قم، 1392.
6. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، چاپ سوم، نشر مرتضوی، تهران، 1385.
7. زرقانی، علی؛ سلطانی، محمد، «کارکرد اجتماعی دین از منظر علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش 2، 1399.
8. سیاح شعاع، مرتضی، کارکردها و آثار دین از نظر علامه طباطبایی (رحمة الله علیه)، چاپ اول، نشر ضامن آهو، مشهد، 1403.
9. شایان مهر، علیرضا، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، نشر کیهان، تهران، 1377.
10. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، نشر جامعه مدرسین، قم، 1374.
11. طباطبایی، محمد حسین، بررسی‌های اسلامی، چاپ دوم، نشر بوستان کتاب، قم، 1388.
12. طباطبایی، محمد حسین، تعالیم اسلام، محقق: سید هادی خسرو شاهی، چاپ اول، نشر بوستان کتاب، قم، 1387.

13. طباطبایی، محمد حسین، ظهور شیعه، نشر فقیه الست، تهران، 1360.
14. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایه الحکمه، چاپ دوم، نشر اسلامی، قم، 1427 ق.
15. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ اول، نشر امیر کبیر، تهران، 1363.
16. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ ق.
17. قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج 2، چاپ دوم، نشر دار الحجه، قم، 1384.
18. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 10، چاپ اول، نشر بهار دلها، قم، 1391.